

**A Critical Discussion on the Jurisprudential Basis
of the Iranian Filtering Policy**

Alireza Hashemzadegan¹

Received: 07/11/2020

Ali Gholami²

Accepted: 23/06/2021

Abstract

Internet, despite its benefits and potentials, has disadvantages for all countries, especially Iran, which has unique cultural, religious, and political characteristics. One way of dealing with these threats is imposing a filtering system, which has been seriously pursued almost since the advent of the Internet in the country. Examining the various dimensions of the Iranian filtering system shows that we are facing a "Maximum Filtering Policy", although being implemented incompletely in practice. This policy has been based on some of the Islamic jurisprudential principles such as "Duty of Enjoining the Right and Forbidding the Wrong"(Amr bi al-Maruf wa'l-Nahy an al-Munkar), "Prohibition the Books of Misguidance"(Hurmat-e Kutub al-Dalal), and "The Rule of Rejecting Foreign Influence"(Nafy-e Sabil). Based on these rules, the researchers have concluded that filtering the Internet is permitted or even essential. This study has tried to investigate the arguments of permitting Internet filtering based on the Islamic jurisprudential principles. The results suggested that among the cited principles, it is only the "Duty of Enjoining the Right and Forbidding the Wrong" can be referred independently to form the basis of filtering system, however, its achievement in practice requires satisfying some essential requirements. In addition, by considering the experience and effects of the current policy, it was concluded that the filtering policy needs to be replaced by a more lenient one, and this does not face any obstacles in terms of Islamic jurisprudential principles.

Keywords: Internet Filtering, Internet Censorship, Islamic Jurisprudential Principles, Iran.

1. Ph.D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (responsible author) (a_hashemzadegan@sbu.ac.ir)

2. Associate Professor, Faculty of Islamic Knowledge and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (a.gholami@isu.ac.ir)

نقد و بررسی مبانی فقهی سیاست جمهوری اسلامی ایران در پالایش فضای مجازی (فیلترینگ)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

علیرضا هاشم زادگان*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

علی غلامی**

چکیده

اینترنت به‌رغم مزایا و فرصت‌هایش، برای کلیه کشورها به‌ویژه ایران که ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگی، دینی و سیاسی دارد، آسیب‌هایی نیز به همراه دارد. یکی از راه‌های مقابله با این آسیب‌ها، پالایش (فیلترینگ) است که از بدو ورود اینترنت به کشور، به شکل جدی دنبال شده است. بررسی ابعاد مختلف نظام پالایشی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد با «یک سیاست پالایش حداکثری» مواجهیم که البته در عمل به طور ناقص و حداقلی اجرا می‌شود. مبنای اتخاذ این سیاست استناد به برخی ادله فقهی از جمله «وجوب نهی‌ازمنکر»، «حرمت کتب ضاله» و «قاعده نفی سبیل» است که از آن‌ها جواز یا وجوب پالایش نتیجه گرفته شده است.

پژوهش حاضر می‌کوشد استندهای صورت‌گرفته به ادله فقهی را نقد و بررسی کند. این پژوهش نشان می‌دهد از میان ادله، تنها وجوب نهی‌ازمنکر می‌تواند مبنای پالایش قرار گیرد که البته موفقیت آن در مرحله اجرا در گروی پیش‌بینی مقدمات و لوازمی است. مرور آثار و نتایج اتخاذ سیاست کنونی، حاکی از لزوم به‌روزرسانی این سیاست از باب «مصلحت» و «حفظ نظام» است. این پژوهش نشان می‌دهد جایگزین‌کردن یک سیاست حداقلی‌تر که به صورت کامل اجرا شود، از سیاست فعلی مطلوبیت بیشتری دارد. در این سیاست پیشنهادی، محدوده پالایش متناسب با نیاز عمومی بازتعریف می‌شود، بسترها و رسانه‌های داخلی توسعه می‌یابند و از ظرفیت خانواده‌ها برای حمایت از کودکان استفاده می‌شود. بررسی صورت‌گرفته اثبات می‌کند چنین تغییری از منظر فقهی با مانعی مواجه نیست.

واژگان کلیدی: پالایش اینترنت، فیلترینگ، پالایش فضای مجازی، وجوب نهی‌ازمنکر، حرمت کتب ضاله، قاعده نفی سبیل.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) a_hashemzadegan@sbu.ac.ir

** دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران a.gholami@isu.ac.ir

مقدمه

اینترنت اگرچه در ابتدا با اهداف نظامی شکل گرفت و در ادامه نیز بیشتر کاربرد علمی - پژوهشی و دانشگاهی داشت، اما به مرور با ایجاد دسترسی عمومی به آن، به پایه و اساس عصر اطلاعات تبدیل شد. امروزه دیگر کمتر زمینه‌ای از زندگی انسان است که با اینترنت سروکار نداشته باشد. اینترنت با خدمات روزافزون خود هر لحظه بیشتر در تاروپود زندگی انسانی تنیده می‌شود، اما به‌رغم منافع متعدد و گسترده‌اش، تهدیدهای مختلف امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و غیره نیز با خود دارد. این فضای مجازی با داشتن بستری مطلقاً آزاد برای انتشار مطالب و محتوای گوناگون، به‌رغم فرصت‌های ایجادشده، کشورها را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است.

یکی از روش‌های سالم‌سازی اینترنت و مصون‌سازی جامعه از آسیب‌های ناشی از آن، پالایش (فیلترینگ) است که تقریباً در سراسر جهان وجود دارد؛ هرچند میزان و گستره آن در کشورهای مختلف بسته به وضعیت فرهنگی و موازین قانونی هر کشور متفاوت است. از آنجاکه فرهنگ و نظام سیاسی کشور ما اسلامی است، این پالایش باید مبتنی بر مبادی، مبانی و منابع فقهی باشد، اما از آنجاکه سیاست پالایشی کنونی ما وافی به مقصود نیست، برای هرگونه تغییری ابتدا نیازمند بررسی مبانی فقهی سیاست فعلی هستیم.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی پیرامون مبانی فقهی و شرعی پالایش فضای مجازی انجام شده است. برای مثال، در مقاله‌های «پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی» (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵)، «پژوهشی در حکم فقهی فیلتر (شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی)» (محب‌الرحمن، صرامی و محب‌الرحمن، ۱۳۹۴)، «واکاوی سیاست‌های پالایش محتوای مجرمانه (فیلترینگ) از منظر فقهی» (جاویدنیا، عابدی و سلطانی، ۱۳۹۴) و «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی» (حسین‌نژاد و و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶)، در مجموع جواز و وجوب پالایش فضای مجازی، بیشتر با استناد به وجوب نهی‌ازمنکر، حرمت کتب ضلال و قاعده نفی سبیل اثبات شده است. وجه ممیز این پژوهش با تلاش‌های پیشین، مرور آثار و نتایج

اجرای سیاست پالایشی کنونی کشور، ذیل نقد و بررسی استنادهای صورت گرفته به ادله فقهی در پایه‌گذاری این سیاست است.

توجه و پرسش این پژوهش عبارت است از اینکه استنادها به ادله فقهی برای برگزیدن سیاست پالایش کنونی تا چه میزان دقیق و صحیح بوده‌اند. با توجه به این پرسش و صبغه فقهی آن، روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و روش انجام آن نیز به اتکای بیان و تحلیل ادله استنادی، توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. در ابتدا با توجه به لزوم تبیین مفاهیم اولیه، ذیل «چهارچوب مفهومی» به بیان تعاریف و ترسیم «سیاست کنونی کشور در پالایش فضای مجازی» پرداخته و سپس به صورت جداگانه مبانی مورد استناد را مفصل معرفی و بررسی خواهیم کرد.

۲. چهارچوب مفهومی

پیش از پرداختن به مبانی فقهی سیاست کنونی در قبال پالایش فضای مجازی، لازم است ابتدا به معرفی مختصر فضای مجازی و اینترنت بپردازیم و سپس ضمن تعریف پالایش، سیاست کنونی را در این حوزه تبیین کنیم.

۲-۱. فضای مجازی و اینترنت

فضای مجازی یا سایبر^۱ در لغت متشکل از دو واژه فضا و مجازی است. در تعریف این اصطلاح که نخستین بار در سال ۱۹۸۴ توسط ویلیام گیپسون به کار رفته است، تلاش‌های زیادی صورت گرفته اما ماهیت پویای آن مانع از این شده است تا تعریف واحدی فراگیر شود؛ با این حال براساس یکی از مشهورترین و کامل‌ترین تعاریف صورت گرفته، فضای مجازی عبارت است از: «قلمرویی جهانی در بستر محیط اطلاعاتی متشکل از شبکه‌های بهم‌وابسته‌ای از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و داده‌های ساکن شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های کامپیوتری و پردازنده‌ها و کنترل‌کننده‌های تعبیه‌شده» (Kuehl, 2009: 27)؛ اگرچه فضای مجازی چه در لفظ و چه در تعاریف اصطلاحی اشاره به مجازی بودن دارد، اما توسعه و گسترش فزاینده آن موجب شده است که این فضا، روزانه هرچه بیشتر به بستر غالب زندگی و ارتباطات انسانی تبدیل شود.

اینترنت که در اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته در وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا ابداع شد، شبکه‌ای است که با اتکا به مجموعه‌ای از استانداردها یا پروتکل‌ها، رایانه‌های سراسر جهان را به یکدیگر متصل کرده است (پالیزبان، ۱۳۹۴: ۶۳۶). اگرچه اینترنت امروزه دیگر بستری فراملی و جهانی تلقی می‌شود، اما کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا با حفظ نفوذ و سلطه خود نسبت به این بستر، بیش از سایر کشورها توانایی نظارت و اعمال حاکمیت بر آن را دارند مانند حفظ کنترل وزارت بازرگانی آمریکا بر شرکت آی‌کان^۱ که وظیفه مدیریت پروتکل اینترنت جهانی را دارد، یا رصد پهنای باند جهانی توسط نهادهای جاسوسی مانند آژانس امنیت ملی آمریکا^۲ یا از طریق شرکت‌های اصلی حوزه فناوری مانند گوگل، اپل، مایکروسافت، آمازون، فیسبوک و توییتر که همگی آمریکایی هستند و در این کشور مستقرند.

در ادبیات داخلی، فضای مجازی و اینترنت معادل یکدیگر فرض شده‌اند. در این پژوهش نیز منظور ما از فضای مجازی مطابق تعریف و برداشت عرفی از آن، همان اینترنت است؛ با این حال اگرچه بین این دو مفهوم، هم‌پوشانی مفهومی زیادی وجود دارد، ولی نباید فراموش کرد که فضای مجازی اعم از اینترنت است، زیرا اینترنت صرفاً یکی از شبکه‌ها و مجاری ارتباطی در فضای مجازی است. در تعریف اینترنت که از آن به‌عنوان «شبکه شبکه‌ها» یاد شده، آورده‌اند: «اینترنت شبکه‌ای بین‌المللی از شبکه‌هاست که با استفاده از مجموعه‌ای از پروتکل‌های مشترک (TCP/IP) امکان اتصال میلیون‌ها کامپیوتر با یکدیگر و استفاده از خدماتی مانند پست الکترونیکی و دسترسی از راه دور به اطلاعات را فراهم می‌کند» (Bell, Loader, Pleace, & Schuler, 2004: 100).

۲-۲. پالایش (فیلترینگ)

اینترنت به‌رغم ظرفیت‌هایش که موجب تحول در زندگی و ارتباطات انسانی شده است، مانند هر پدیده دیگری آسیب‌ها و تهدیدهایی نیز به همراه دارد که نباید از آن‌ها غافل شد. این تهدیدها را می‌توان در قالب آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی، آسیب‌های سیاسی - امنیتی، آسیب‌های ناشی از جهانی‌شدن و آسیب‌های ناشی از سلطه نظام سرمایه‌داری بر

1. ICANN
2. NSA

اینترنت و پردازش کلان‌داده^۱ دسته‌بندی کرد که تبیین تفصیلی هر کدام فرصت دیگری می‌طلبد. به هر روی، اینترنت با داشتن فضایی مطلقاً آزاد برای انتشار مطالب و محتوای گوناگون، کشورها را با تهدیدهای متعددی مواجه کرده و می‌تواند بستری برای بروز انحراف، کژروی و جرم باشد. به علاوه آزادی مطلق می‌تواند زمینه‌تعدی به حقوق سایرین را فراهم کند و اتفاقاً از همین روست که عقل و وحی (دین)، آزادی را به منظور عروج و تکامل انسان محدود کرده‌اند؛ بنابراین اینترنت و فضای مجازی نیز همانند عرصه عمومی و حقیقی نیازمند مدیریت، حراست از حقوق شهروندان و در نتیجه سالم‌سازی است.

یکی از روش‌های سالم‌سازی اینترنت، مقابله با تهدیدهای فضای مجازی و مصون‌سازی جامعه از آسیب‌های ناشی از آن، پالایش است. کلمه پالایش ترجمان واژه فیلترینگ^۲ است که به معنای تصفیه و پالیدن است. پالایش یا فیلترینگ اینترنت که از آن به‌عنوان سانسور اینترنت^۳ هم نام برده می‌شود، عبارت است از «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی» (نصراللهی، ۱۳۹۴: ۶۸).

پالایش مفهومی سلبی است که محدودیت، اجتناب، جلوگیری و حتی حذف را به دنبال دارد: «پالایش بسان صافی‌ای که آب و مواد دیگر را تصفیه می‌کند و ناخالصی‌های آن را می‌گیرد و فضای مجازی را تصفیه می‌کند... این ماهیت سلبی پالایش به طور خاص تمایز آن را با اقدامات ایجابی مانند تولید محتوای بومی، ارتقای سواد رسانه‌ای و غیره در جهت سالم‌سازی فضای مجازی نشان می‌دهد» (نصراللهی، ۱۳۹۴: ۶۶). اگرچه پالایش اینترنت از این جهت که روشی سلبی و محدودیت‌ساز است، ممکن است چندان ایدئال به نظر نرسد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد تقریباً در همه جای جهان پالایش اینترنت وجود دارد؛ هر چند میزان و مصادیق آن در کشورهای مختلف بسته به متغیرهای فرهنگی، اخلاقی و قانونی است (Deibert, Palfrey, Rohozinski, & Zittrain, 2008: 472).

به‌رغم اینکه آزادی ارزشی عام و جهان‌شمول است و سانسور اینترنت حتی اگر برای مقابله با آسیب‌ها و تهدیدهای آن باشد، می‌تواند مخل آزادی تلقی شود؛ با این حال حتی

-
1. Big Data
 2. Filtering
 3. Internet Censorship

در نظام‌های مدعی لیبرال‌دموکراسی غربی نیز هنوز دوگانه امنیت ملی - سانسور وجود دارد. تا آنجا که نتیجه گرفته شده است: «آزادی مطلق رسانه‌ها هرگز محقق نخواهد شد؛ همان‌طور که سانسور مطلق اینترنت و رسانه‌ها محقق نمی‌شود» (Schell, 2014: 4).

۳. سیاست کنونی در پالایش فضای مجازی

با ورود اینترنت به ایران و فراهم آمدن بسترهای مخابراتی برای دسترسی عمومی به آن، از همان ابتدا بحث نظارت بر عملکرد ارائه‌دهندگان و مشترکان آن نیز مطرح شد. نظارت بر اینترنت در ایران از بدو ورود به کشور، توسط نهادهای مختلفی اعمال شده است که با تغییر قوانین، جای خود را به نهادهای جدیدتری داده‌اند.

با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) و صدور حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی (۱۳۹۰)، قوانین و مقررات مغایر قبلی نسخ شدند و نهادهای مربوطه نیز به منظور تحکیم جایگاه فراقوه‌ای و محوری کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه و شورای عالی فضای مجازی، منحل شدند. هم‌اکنون متن قانون جرایم رایانه‌ای و حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی، دو مرجع اصلی پیرامون پالایش محسوب می‌شوند. از نظر حقوقی، به موجب ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، متولی پالایش، کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است. در دی ماه ۱۳۸۸ این کارگروه فهرست مصادیق محتوای مجرمانه را با تفسیر موسعی از قوانین مختلف تهیه کرد که به طور عمده از قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) و قانون مطبوعات (۱۳۶۴) استخراج شده‌اند. این فهرست حاوی ۷۸ مورد فهرست شده‌اند (کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، ۱۳۸۸).

تاریخ قانون‌گذاری‌های داخلی درباره اینترنت نشان می‌دهد «حق دسترسی آزاد به اینترنت» در کنار لزوم «صیانت از ارزش‌های اسلامی، ملی، فرهنگی و اجتماعی» به طور هم‌زمان مورد تأکید قرار گرفته‌اند مثلاً در «مقررات و ضوابط شبکه‌های رایانه‌ای» (۱۳۸۰) یا «آیین‌نامه سازمان‌دهی فعالیت‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی» (۱۳۸۵).

همین امر در مواضع رسمی مقامات کشور نیز تکرار شده است؛ مثلاً رییس‌جمهور اسبق، آقای سید محمد خاتمی که دولتش مصادف با آغاز گسترش اینترنت در ایران بود،

معتقد بود: «اینترنت مسئله لازمی است اما این نگرانی در جهان وجود دارد که کسانی که قدرت بیشتری دارند، با استفاده از وسایلی نظیر ماهواره و اینترنت فرهنگ‌های ملی را تحت تأثیر قرار دهند که این مسئله خطری برای کل بشر محسوب می‌شود» (خاتمی، ۱۳۸۱). امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب که در سال‌های اولیه اینترنت را «یک نعمت و نعمت هم‌زمان» نامیده بودند، در آخرین سیاست اعلامی، توسعه همراه با «سالم‌سازی» و «ممانعت از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی» را به‌عنوان دستورکار کشور در فضای مجازی اعلام کرده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴).

نگاه نظام جمهوری اسلامی ایران به اینترنت دربرگیرنده راهبردی دوجبهی و هم‌زمان شامل «توسعه» و «محافظت در برابر تهدیدات» است که بعد دوم آن بیشتر بر پالایش محتوای نامناسب متمرکز بوده است. از همین رو است که آنچه ممکن است «سانسور اینترنت» نامیده شود، در ایران «فیلترینگ اینترنت» شناخته شده و به‌عنوان «سیاست پیشگیرانه» دنبال شده توسط دولت‌ها بر پایه ساختارهای ارزشی با هدف خالص‌سازی فضای مجازی» تعریف شده است (Bashir & Nasrollahi, 2018: 2).

اگرچه بخشی از تهدیدات اینترنت از منظر ایران با نگرش سایر کشورها مشترک است (مانند جرایم سایبری یا هرزه‌نگاری غیرقانونی)، عوامل خاصی که در مختصات ویژه ایران موجب افزایش دامنه پالایش شده عبارت است از:

- وجود هنجارهای اجتماعی رسمی جدی‌تر؛
- فقدان جرم‌زدایی از جرایم مطبوعاتی؛
- عدم همکاری شرکت‌های بین‌المللی با ایران برای اعمال حاکمیت قانون ملی و مقابله با تهدیدات امنیتی برخلاف عرف رایج این شرکت‌ها در قبال سایر کشورها مانند پیام‌رسان تلگرام (Durov, 2017; 2018)؛
- تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی، مذهبی و سیاسی «جهانی‌شدن» و «جریان بین‌المللی اطلاعات» که از سوی کشورهای توسعه‌یافته به سوی کشورهای درحال توسعه مانند ایران، یک‌سویه، عمودی و سلطه‌گراست (Mowlana, 1985: 21)؛
- ضعف نرم‌افزاری و رسانه‌ای که مانع جانشین‌سازی استراتژی‌های ایجابی مانند توسعه محتوای بومی، ارتقای سواد رسانه‌ای و گسترش سرویس‌های داخلی است؛

- محدودیت‌های تکنولوژیکی برای کنترل و نظارت بر اینترنت به صورتی که کشورهای پیشرو در اینترنت برای مواجهه با تهدیدها از آن برخوردارند؛ و در نتیجه دیگر نیاز چندانی به سانسور فیزیکی نیست؛
- تهدید دائمی موجودیتی علیه جمهوری اسلامی، به موجب فشار حداکثری امریکا، پروپاگاندا‌ی رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی، اپوزیسیون سیاسی مورد حمایت خارجی و گروه‌های تروریستی، همگی متمرکز بر تضعیف و تغییر نظام.
- به لحاظ نظری، اگر بخواهیم سیاست ایران در قبال پالایش فضای مجازی را بررسی کنیم، می‌توانیم آن را «پالایش حداکثری» بنامیم، زیرا:
- نظام پالایش تمام‌زمینه‌های اخلاقی، مذهبی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی را دربرگرفته است؛
- برای تدوین فهرست ممنوعه از عناوین مجرمانه تفسیر موسّع شده است؛
- کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و دادگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌هایشان قدرت تام و تمام دارند؛
- بخش قابل توجهی از وبسایت‌ها و سرویس‌های پرمخاطب جهانی مانند فیسبوک، توئیتر و یوتیوب مسدود هستند.
- اما روی دیگر سکه، بررسی نحوه اجرای این مقررات در عمل است. وضعیت کنونی حاکی از این است که:
- حجم بالای محدودیت‌های روی کاغذ، اجرای کامل نظام پالایش را با مشکل مواجه کرده است؛ در نتیجه دولت به دنبال مقابله با وی‌پی‌ان‌ها که از قضا در قانون نیز استفاده از آن‌ها آشکارا ممنوع نشده است، نیست (آذری جهرمی، ۱۳۹۸). حتی شورایی‌عالی فضای مجازی از راه‌اندازی طرحی برای صدور مجوز برای فروش رسمی وی‌پی‌ان در کشور خبر داده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۹)؛
- گزارشی رسمی حاکی از آن است که ۱۲-۱۰ میلیون نفر با استفاده از وی‌پی‌ان از فیلترینگ عبور می‌کنند (هادیان‌فر، ۱۳۹۷). همین‌طور آخرین نظرسنجی صورت‌گرفته نشان می‌دهد در تیرماه ۱۳۹۸ هنوز حدود ۴۲ درصد کاربران از تلگرام استفاده می‌کردند. البته این عدد پیش از مسدودسازی دائمی آن به ۶۲ درصد رسیده بود (ایسپا، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸)؛

■ قبح اجتماعی عبور از فیلترینگ تضعیف شده است. علاوه بر افراد عادی، بسیاری از نهادها و مقامات عالی‌رتبه کشور از جمله دفتر رهبری، رییس‌جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس و غیره در شبکه‌های اجتماعی که در اینترنت عمومی برای مردم مسدود شده‌اند، فعال هستند مانند توییتر؛

■ پلتفرم‌های اجتماعی پُرکاربردی مانند اینستاگرام و واتساپ آزاد و قابل دسترسی هستند، در حالی که محتوای غیرقانونی در آن‌ها به دلیل فنی قابل پالایش نیست.

با توجه به این موارد، می‌توان گفت «پالایش حداکثری» مدنظر، در عمل به شکل ناقص و «حداقلی» در حال اجراست. این شکل از سیاست‌گذاری و اجرای آن در عمل موجب شده است:

■ پالایش ادعایی به درستی اجرا نشود و مردم به شکل گسترده‌ای از آن عبور کنند؛ از این رو نه تنها اهداف مدنظر محقق نمی‌شود، بلکه هم‌زمان موجب ناخشنودی، مخالفت و نارضایتی مردم شده، قبح عبور از قانون را شکسته و جایگاه قانون و حاکمیت آن را در کشور تضعیف می‌کند؛

■ توجیه استفاده مشروع از خدمات مسدود شده مانند تلگرام، فیلترشکن‌ها را به شکل وسیعی در اختیار کودکان و نوجوان قرار داده است که در نتیجه تمامی محتوای غیراخلاقی اینترنت به صورت کاملاً آزاد در دسترس آن‌هاست؛

■ سیاست پالایش حداکثری در عمل کشور را در قبال اینترنت و آسیب‌های آن منفعل کرده است؛

■ ادامه این سیاست موجب تحمیل هزینه به کشور و افزایش انتقادات می‌شود؛

■ سیاست پالایشی از بالا به پایین که در آن به خواست جامعه و اقناع افکار عمومی واقعی نهاده نشود و در عمل مردم را از تصمیم‌گیری در این حوزه کنار بگذارد، موجب فاصله بین مردم و نظام و در نتیجه به مخاطره افتادن مقبولیت و مشروعیت قانونی نظام می‌شود.

حال پیش از معرفی و بررسی ادله فقهی پالایش فضای مجازی، ضروری است تأکیدی دوباره داشته باشیم که اینترنت در تمام دنیا آسیب‌هایی به همراه دارد و تقریباً همه کشورهای جهان برای مقابله با بخشی از این موارد، از پالایش و مسدودسازی استفاده می‌کنند؛ هرچند محدوده این پالایش میان کشورها متفاوت است. علاوه بر این،

نباید از نظر دور داشت که اینترنت و فضای مجازی که عمده بستر آن تحت هدایت و کنترل ایالات متحده است و البته از اساس نمی‌توان بر تولید محتوا در آن نظارت کرد، برای یک کشور اسلامی که در صحنه تمدنی مقابل سلطه امریکا ایستاده است، زمینه‌ای برای انواع تهاجم‌های فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. در کنار این امر، محتوای غیراخلاقی و هرزه‌نگاری نیز آسیب‌هایی برای نوع بشر به‌ویژه کودکان و نوجوانان دارد؛ بنابراین اصل پالایش و گسترده‌تر بودن آن در ایران نسبت به چهارچوب‌های غربی عجیب نیست و آنچه محل بحث است، تدوین سیاست بایسته‌ای است که مبتنی بر استنادهای دقیق فقهی و نیازمندی‌های روز حکومت اسلامی، اهداف مدنظر را بیش از سیاست کنونی محقق کند.

۴. ادله فقهی استنادی

دلایل متعدد عقلی، قانونی و فقهی وجود دارد که می‌تواند مبنای پالایش اینترنت واقع شود. در همین راستا، ادبیات موجود نشان می‌دهد پژوهشگران با رجوع به منابع فقهی، جواز و وجوب اصل پالایش را اثبات کرده‌اند. در ادامه این پژوهش، ضمن طرح هرکدام از این استنادها، تطبیق صورت‌گرفته را به شکل انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهیم تا مشخص شود با در نظر گرفتن واقعیت‌های عرصه فضای مجازی و آثار و نتایج اتخاذ سیاست کنونی، تطبیق حکم و موضوع در راستای اتخاذ سیاست پالایشی تا چه میزان دقیق و متناسب بوده است. بررسی انتقادی این استنادها با این هدف انجام می‌شود که با ایجاد فرصتی برای بازاندیشی در این حوزه، به سیاست بهینه‌تری دست یابیم که بیشتر پاسخ‌گوی نیازهای کشور در عرصه فضای مجازی باشد. همین‌طور در تدوین این سیاست باید بر یکسان‌نگاری جواز پالایش با وجوب آن بیشتر تأمل کرد.

۴-۱. وجوب نهی از منکر

مهم‌ترین مستند قرآنی وجوب نهی از منکر آیه ۱۰۴ سوره آل عمران است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند». به علاوه در آیه ۱۱۰ همین سوره آمده است:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی هستید از میان مردم پدید آمده که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید». همین‌طور در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، روایات متعددی وارد شده است که در اینجا تنها به بیان وصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره بسنده می‌شود: «لَا تَتْرُكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوْلَى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر غلفت کنید، بدترین‌تان بر شما مسلط می‌شوند. آن وقت هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۱-۱-۴. تطبیق صورت گرفته

در میان ادله ارائه شده، اساسی‌ترین مبنای صاحب‌نظران برای اثبات جواز یا لزوم پالایش، توسل به وجوب نهی از منکر بوده است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۶۱؛ جاویدنیا، عابدی و سلطانی، ۱۳۹۴: ۴۱؛ حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۷: ۴۴؛ محب‌الرحمن، صرامی و محب‌الرحمن، ۱۳۹۴: ۴۶). برای مثال اسماعیلی و نصراللهی (۱۳۹۵: ۶۲) گفته‌اند: «پالایش... به‌عنوان یک تدبیر پیشگیرانه وضعی در جهت سالم‌سازی فضای مجازی از محتوای حرام، بخشی از نهی از منکر جبری به حساب می‌آید. با توجه به آنکه بخشی از محتوای مجرمانه حرام است، با پالایش، دسترسی کاربران را به این محتوای حرام مسدود می‌کنیم و امکان دسترسی به حرام را که خود منکر است، جبراً منتفی می‌کنیم؛ بنابراین پالایش به‌عنوان مرتبه جبری نهی از منکر قابل شناسایی است».

۲-۱-۴. نقد و بررسی

اولاً شکی نیست که بخشی از محتوای فضای مجازی جزء منکرات محسوب شود که باید افراد را از دسترسی به چنین محتوایی نهی کرد؛ ولی نهی از منکر مقدماتی دارد که تحقق و اثربخشی آن مبتنی بر توجه به این مقدمات است. همان‌طور که در آیات شریفه ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره مبارکه آل عمران آمده و در بالا نیز به آن اشاره شد، پیش‌شرط تحقق اراده الهی و دستور حق تعالی مبنی بر اینکه مؤمنان بهترین امت باشند، این است که باید به سه وظیفه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر عمل کنند. از ظاهر آیه و

همین‌طور تفاسیر صورت‌گرفته چنین برمی‌آید که وظیفه امر به معروف، مقدمه نهی از منکر است (قرائتی، ۱۳۸۹: ۵۷۹)؛ بنابراین اگر قرار باشد در جامعه‌ای نهی از منکر، آن تأثیر مطلوب را داشته باشد که به تشکیل بهترین امت و جامعه بیانجامد، لازم است دعوت به خیر و امر به معروف هم در آن جامعه به شکل مناسبی صورت پذیرند. حال اگر سیاست پالایشی به این صورت باشد که در آن بدون تولید بسترها و محتوای داخلی مناسب (به‌عنوان مصداقی از دعوت به خیر) و ارتقای سواد رسانه‌ای (به‌عنوان مصداقی از امر به معروف) صرفاً بخواهیم نهی از منکر کرده باشیم، آیا این نهی از منکر اثر مدنظر را خواهد داشت؟ و اساساً سؤال مهم‌تر این است که آیا ما موظف به نهی از منکریم؛ به این شکل که صرفاً و بدون توجه به نتیجه، نهی از منکر کرده باشیم؟ یا هدف ما جلوگیری از منکر است و این نتیجه برای ما مهم است؟ اگر این چنین است، لازم است دو مرحله قبلی یعنی دعوت به خیر و امر به معروف را هم با توجه به اقتضائات فضای مجازی انجام دهیم تا پالایش مستند به نهی از منکر، بیشتر مثمر ثمر باشد.

ثانیاً در وجوب نهی از منکر لازم است که «حرام بودن منکر در حق فاعل، منجز و ثابت باشد... پس اگر فاعل، معتقد به مباح بودن فعل حرامی و یا به جواز ترک واجبی باشد، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر ساقط می‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۸۰). در موضوع مورد بحث اگر فاعل جاهل باشد که ارشاد او لازم است، ولی اگر اعتقاد او برای دسترسی به محتوا یا سرویس اینترنتی (به صورت درست یا غلط) ناشی از باور عرفی یا عقلی وی باشد و قرار باشد ما پالایش را به استناد مرحله جبری نهی از منکر اجرا کنیم، باید قبح موضوع پالایش توسط جامعه پذیرفته شده باشد. در غیر این صورت، یکی از شرایط اساسی و لازم برای نهی از منکر از بین رفته است. در حال حاضر نیز چون در اصل و بخش قابل توجهی از صفحات و سرویس‌های مسدود شده (مانند تلگرام)، تبیین و ارشاد عمومی به صورت مناسب صورت نگرفته است و افکار عمومی قائل به حرمت یا قبح آن نشده است، با این شرایط، اجبار کاربران از طریق پالایش واجب نخواهد بود؛ یا حداقل اینکه باید در نظر داشت در چنین مواردی، موفقیت نظام پالایش به‌عنوان مصداقی از اجرای مرحله جبری نهی از منکر، نیازمند تحقق پیش شرط آن یعنی توجیه افکار عمومی است.

ثالثاً با توجه به مطالبی که حول آثار و نتایج اجرای سیاست کنونی گفته شد، آنچه

تاکنون در حوزه پالایش و مسدودسازی در فضای مجازی صورت گرفته است (از جمله اینکه پالایش مورد بحث، در عمل رعایت نشده و از آن عبور می‌شود؛ یا اینکه این شکل از پالایش موجب ایجاد مخالفت و نارضایتی بین مردم نسبت به نظام می‌شود)، هرچند با استناد به وظیفه حکومت اسلامی در اجرای نهی‌ازمنکر بوده باشد، در عمل می‌تواند به «وهن» مذهب و نظام اسلامی بیانجامد. وهن در لغت به معنای تضعیف و سست کردن کسی یا چیزی است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۹۲). در اصطلاح فقهی نیز وهن دین یا مذهب به معنای سبک جلوه دادن دین و مذهب در انظار عمومی دیگر ادیان یا مذاهب است. امام خمینی (ره) به طور کلی معتقدند: «اگر در جایی امر یا نهی نسبت به بعضی موجب وهن شریعت مقدس ولو نزد غیر او باشد، جایز نیست؛ به ویژه جایی که صرفاً احتمال تأثیر می‌رود، مگر اینکه از موارد بااهمیت باشد و (البته) موارد فرق می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۳۰). همچنین لازم است «امر به معروف و نهی ازمنکر طوری ادا شود که اسباب تنفر دیگران از دین فراهم نشود و دین به صورت نهادی خشن معرفی نشود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۸۰). برآیند این ملاحظات این است که نباید نهی ازمنکر را فارغ از چگونگی، آثار و نتایج آن به مرحله اجرا گذاشت؛ از این رو سیاست پالایش کنونی ولو به استناد وجوب نهی ازمنکر، اگر مصداقی از وهن مذهب و نظام اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد، ممکن است از باب تحقق عنوان ثانویه وهن، جایز نباشد.

۴-۲. حرمت کتب ضلال

ضلال از نظر لغوی به معنای گمراهی، گم شدن، هلاک شدن، فراموشی و غیره آمده است و از نظر قرآن کریم، در مقابل حق و هدایت است. فقها نیز بر پایه مستندات از آیات قرآن، روایات، اجماع و عقل، حفظ کتب ضلال را حرام دانسته‌اند (قانع، ۱۳۹۱: ۴۳). البته در هیچ‌یک از مستندات این حکم، کلمه «کتاب» نیامده، بلکه صفات یا قیدهایی مانند «لهو الحدیث»، «قول زور» و «ظلم» (در استدلال عقلی) آمده است که موضوع حکم را گسترش می‌دهد. همچنین این حکم به مسائل اعتقادی و مانند آن اختصاص ندارد، بلکه هر امری را که دارای فساد و ضلال محض باشد، دربرمی‌گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۹۳). فقها در مورد اصل حرمت حفظ کتب ضلال و دیگر اموری که موجب انتقال ضلال و گمراهی

است، هم‌نظر هستند. همین‌طور تولید، استنساخ، تعلیم، انتشار، خرید و فروش و استیجار کتب ضلال نیز به‌عنوان متعلق حکم جایز نیست (قانع، ۱۳۹۱: ۳۰).

۱-۲-۴. تطبیق صورت گرفته

در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته، استناد به حرمت حفظ کتب ضلال پس از استناد به وجوب نهی‌ازمنکر، پراستنادترین دلیل محسوب می‌شود (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۶۲؛ جاویدنیا، عابدی و سلطانی، ۱۳۹۴: ۴۲؛ حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶: ۳۹).؛ از آن‌رو که این حرمت به «حرمت هر آنچه در آن گمراهی باشد» تعمیم یافته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲: ۵۸)، برخی چنین نتیجه گرفته‌اند که این حکم «بر صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی ضاله قابل تطبیق خواهد بود» (محب‌الرحمن، صرامی و محب‌الرحمن، ۱۳۹۴: ۴۲). مشخصاً اسماعیلی و نصراللهی (۱۳۹۵: ۶۴) معتقدند: «یکی از مبانی وجوب پالایش از این استدلال ناشی می‌شود که لازمه حرمت حفظ و غیره کتب ضاله، وجوب امحای آن است؛ به بیان دیگر اگر حرمت تولید، ذخیره و انتشار و غیره پیام گمراه‌کننده را طبق ادله کتب ضلال بپذیریم، آنگاه پالایش به‌عنوان وسیله‌ای برای پرهیز از ذخیره و انتشار پیام گمراه‌کننده و تحقق این حکم الهی واجب می‌شود».

۲-۲-۴. نقد و بررسی

اولاً آنچه از ادله فهمیده می‌شود این است که حفظ، تولید، استنساخ، تعلیم، انتشار، خرید و فروش و استیجار محتوای ضاله حرام است، اما ذیل بحث حرمت کتب ضلال، اشاره مستقیمی به اجبار و جلوگیری از دسترسی دیگران نشده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۷۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۶۵)؛ بدین ترتیب استناد مستقل به حرمت کتب ضاله برای اعمال مسدودسازی و پالایش در فضای مجازی صحیح به نظر نمی‌رسد و حداکثر می‌توان پذیرفت که این ادله، منکر بودن تعامل با محتوای ضاله را اثبات می‌کند. محدودسازی تعامل و دسترسی دیگران به این محتوا صرفاً از باب اعمال مرحله جبری نهی‌ازمنکر متصور است؛ پس صرف حرمت کتب ضاله و تعامل با آن‌ها نمی‌تواند مستند پالایش مستقل قرار گیرد. ثانیاً مسئله دیگر آن است که ملاک ضاله بودن «یقین یا احتمال گمراه‌شدن شخص و

تقویت باطل به آن‌ها» دانسته شده است. برخی نیز ملاک را «نبود غرض مشروع» دانسته‌اند (محب‌الرحمن، صرامی و محب‌الرحمن، ۱۳۹۴: ۴۵). با توجه به این دو نکته و همین‌طور آنچه در بند پیشین گفته شد، چنین برداشت می‌شود که اصل حکم حرمت کتب ضلال جنبه شخصی دارد و خود مکلف باید چنین محتوایی را حرام تشخیص دهد. این حکم مستثنیاتی نیز دارد که به شکل شخصی مصداق می‌یابد (مانند نوشتن ردیه بر کتب ضاله، ارائه استدلال بر آن‌ها، تقیه، به‌کارگیری اغراض صحیحه، تحصیل ملکه اجتهاد، کمک بر تحقیق، اطلاع بر مذاهب و تمییز خوب از بد). براساس آنچه گفته شد، عمومی کردن این حکم و ورود دولت به قطع دسترسی شهروندان به مطالب مختلف و نشان دادن هر نظری جز نظر شخص مکلف برای تشخیص ضلال بودن یا نبودن و دسترسی داشتن یا نداشتن سایر اشخاص، خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد.

ثالثاً اگر تعامل با محتوای ضلال را منکر بدانیم، در لزوم کنترل اشخاص و قطع دسترسی اجباری آن‌ها به محتوایی که ما گمراه‌کننده تشخیص دهیم و میزان اثربخشی چنین رویکردهایی، تأملاتی مطرح است. برای مثال امروزه در نظریه‌های رشد، مفهوم «خودکنترلی» مطرح است که تأثیر عمیق‌تر و کاربردی‌تری از کنترل و اجبار بیرونی دارد. این خودکنترلی تقریباً همان چیزی است که در ادبیات قرآنی و تربیت دینی از آن به‌عنوان «تقوا» نام برده می‌شود. تقوا که در لغت به معنای حفاظت، صیانت و نگهداری است، نزدیکی معنایی با اصطلاح خودکنترلی داشته و موجب اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان و معصیت خداوند می‌شود (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۳). با مطالعه آیات و روایات می‌توان فهمید روش اصلی رشد و تربیت انسان‌ها در اسلام، تقوا و خودکنترلی است. اتفاقاً در قرآن آنچه برای انسان قوه تمییز و تشخیص درستی از نادرستی را به وجود می‌آورد، همان خودکنترلی و تقواست: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا: اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند برای شما مایه تمییز و تشخیص قرار می‌دهد» (انفال: ۲۹)؛ بااین‌حال، متأسفانه در تدوین سیاست فعلی، اعتنای لازم به این نکته نشده است که راه‌حل اصلی (یا حداقل مکمل) در جلوگیری از آسیب‌های فضای مجازی و محتوای گمراه‌کننده موجود در آن، ارج نهادن به کرامت انسانی و تلاش برای ارتقای رشد و آگاهی و تقواست. حال اگر در سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی‌ها این عامل مورد توجه

قرار نگیرد، هرچقدر هم که پالایش و کنترل بیرونی تشدید شود، اثر مدنظر را نخواهد داشت، زیرا از نظر خداوند نیز عامل اصلی سعادت انسان و بالاترین عامل دوری از گناهان و گمراهی‌ها، تقوای درونی است.

رابعاً باز هم اگر محتوای ضلال را منکر در نظر بگیریم و پالایش و مسدودسازی چنین محتوایی را توسط حکومت اسلامی و دستگاه‌های اجرایی از منظر اجرای نهی از منکر واجب بدانیم، این نگاه در دنیای مدرن و ویژگی‌های آن کارایی آنچنانی ندارد. در واقع مهم‌ترین مشکل مسدودسازی و پالایش این است که عامل قهر و محدودیت‌زاست و انسان نسبت به عامل بیرونی که برای آزادی وی محدودیت ایجاد کند، نگاه منفی دارد. جهان امروز، دنیایی باز در عصر ارتباطات و آزادی دسترسی به اطلاعات است که نمی‌توان ذیل آن، در بلندمدت یک فضای بسته موفق ایجاد کرد (حداقل بدون ایجاد تسلط تکنولوژیکی، تولید بستر بومی و محتوای داخلی مناسب و کافی مانند چین). اولویت یافتن سیاست جلوگیری از دسترسی افراد به اطلاعات از طریق مسدودسازی و پالایش، نوعی شناکردن برخلاف مسیر رودخانه است که نمی‌تواند انسان‌ها را با خود همراه سازد. شهید آیت‌الله دکتر بهشتی در حین مذاکرات اصل ۲۴ در مجلس خبرگان قانون اساسی با مستثنی کردن انتشار محتوای گمراه‌کننده (به‌عنوان مصدافی از کتب ضاله) از آزادی مطبوعات مخالفت و استدلال کرد:

«نظامی که بخواهد بر ایمان قلبی مردم تکیه داشته باشد، بی‌شک باید برای حفظ و حراست این ایمان خیلی اهمیت قائل باشد. تحریم خرید و فروش و نشر کتب ضلال زیربنایش همین است که مکتب برای ایمان مردم در ساختن زندگی سعادت‌مند برای فرد فردشان نقش بنیادی می‌بیند و وقتی نظام سیاسی و اجتماعی هم بر این ایمان متکی است، خودبه‌خود اگر او متزلزل بشود، نظام متزلزل می‌شود، منتها آنچه مهم است این است که ما ببینیم در چه شرایط زمانی‌ای زندگی می‌کنیم و در یک شرایطی باید خود مکلف را به‌عنوان همان تکلیف ایمانی وادار کرد از خرید و فروش و نشر استفاده از کتب ضلال اگر اهلش نیست، خودداری کنند. این همان حکمی است که از قدیم تا حالا بوده و حالا هم هست، اما آیا حکومت به‌عنوان جلوگیری از منکر، می‌تواند اعمال قهر کند یا نه...؟ این مسئله مورد بحث است. آیا اعمال قهر در هر دوره‌ای و در هر موردی

می‌تواند راه جلوگیری از همه منکرات باشد؟ حرف من این است که در شرایطی که ما هستیم اعمال قهر برای جلوگیری از نشریاتی که مبارزه فکری با اسلام می‌کنند، سودمند نیست؛ بر حسب تجربه عینی و بررسی شده‌ای که ما داریم نه تنها سودمند نیست، بلکه جلوگیری با اعمال قهر از نشر و تهیه از این نشریات، مضر به اسلام هم واقع شده است» (مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۷۲۸).

خامساً پالایش و مسدودسازی با استناد به حرمت تعامل با محتوای گمراه‌کننده، ممکن است این تصور را ایجاد کند که ما توان علمی پاسخ به هجمه‌ها و معارضه‌ها را نداریم و به همین خاطر است که به سیاست پالایش حداکثری روی آورده‌ایم. متأسفانه سیاست کنونی نیز موجب شده است که راه اصلی مواجهه با محتوای گمراه‌کننده را گم کنیم که این راه جز در مواجهه فکری و رسانه‌ای قوی در فضای مجازی نیست، ولی در این سال‌ها به دلیل اولویت‌دادن به سیاست پالایش حداکثری و بی‌توجهی به اقتضائات رسانه‌ای، به بیراهه رفته‌ایم و تولیدات کافی نداشته‌ایم؛ حال آنکه اگر صورت مسئله را پاک نمی‌کردیم و فضا را بیشتر آزاد می‌گذاشتیم، احتمال بیشتری بود تا دغدغه، نگرانی و همت بیشتری برای تمرکز بر تولید بستر و محتوای داخلی به وجود آید؛ و رویکرد منفعل و تدافعی فعلی به رویکردی فعال و تهاجمی تبدیل شود.

فلذا با توجه به استدلال‌های مطرح‌شده، استناد مستقل به حرمت کتب ضاله برای پالایش و مسدودسازی دسترسی که نوعی اعمال قهر محسوب می‌شود، فارغ از اینکه محل اشکال است، در عمل نیز راه مناسبی برای مقابله با آسیب‌های فضای مجازی نگشوده و نمی‌گشاید.

۳-۴. قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد فقهی که رابطه مسلمانان و غیرمسلمانان را تنظیم می‌کند، قاعده نفی سبیل است که در نتیجه آن هر عملی که موجب سلطه دشمنان دین و غیرمسلمانان بر مسلمین شود، حرام محسوب می‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۸۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۳). برای اثبات این قاعده که مورد اجماع فقهاست، به آیاتی از قرآن، روایات، اجماع و عقل استناد شده است. مهم‌ترین مستند این قاعده، آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان

تسلطی نداده است» (نساء: ۱۴۱) مطابق این آیه که در آن سبیل به معنای طریق آورده شده است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۷۲۱)، هرگونه سلطه‌ای توسط کفار علیه مسلمانان تشریحاً نفی و نهی شده است (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ق: ۳۵۷).

۴-۳-۱. تطبیق صورت گرفته

قاعده نفی یکی دیگر از ادله‌ای است که در وجوب اعمال پالایش و توجیه سیاست کنونی به آن استناد شده است (حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶: ۳۳). براساس این قاعده، کفار نباید در هیچ‌یک از عرصه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره بر مسلمانان سلطه و تسلط داشته باشند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۴۵۱). در تطبیق بحث، حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی (۱۳۹۶: ۳۴) چنین استدلال کرده‌اند: به مجرد آنکه سخن از اعمال قدرت و سلطه به میان می‌آید، همه نظرها به زور، ابزارهای خشونت، ارتش و غیره معطوف می‌شود، درحالی‌که ابزارهای غیرمادی اعمال قدرت به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردارند... از جمله این راه‌ها که می‌تواند موجب تسهیل رسیدن دشمنان به مقاصد شوم‌شان شود، ایجاد سایت‌هایی است که مضامین آن‌ها خلاف شئون اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین شمرده شود و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین شود.

۴-۳-۲. نقد و بررسی

اولاً اینکه در استندهای صورت‌گرفته، اثبات نشده است که پالایش و مسدودسازی راه‌حل اصلی نفی سلطه و سبیل کفار در فضای مجازی است. شاید مشکل از اینجا ناشی شده باشد که همانند سایر موارد، در ابتدا وجوب پالایش مدنظر قرار گرفته و سپس تلاش شده از متون دینی برای آن استنادیابی شود؛ بنابراین براساس آنچه گفته شد، حداکثر می‌توان جواز پالایش را استنباط کرد، نه وجوب آن را؛ که پالایش در چنین حالتی نیازمند ادله دیگری خواهد بود.

ثانیاً شکی نیست اینترنت و فضای مجازی در دنیای کنونی یکی از صحنه‌های مهمی است که تهاجم فرهنگی و جنگ رسانه‌ای در آن جریان دارد؛ همچنین از آنجاکه بستر اینترنت بیشتر در اختیار غرب و به طور خاص تحت کنترل دولت ایالات متحده است و

در راستای منافع و گسترش سلطه خود از اینترنت استفاده می‌کند، این پرسش مطرح می‌شود که برای مقابله با چنین سبیل و تسلطی چه باید کرد؟ مثلاً آیا چون کنترل اینترنت جهانی به شیوه‌های مختلف دست دولت امریکا و شرکت‌های امریکایی است، پس بر ما واجب است دسترسی به اینترنت جهانی را قطع کنیم تا به قاعده نفی سبیل عمل شود؟ بی‌شک چنین واکنشی فارغ از اینکه می‌تواند موجب تحقق عنوان ثانویه حرج شود، در عمل نیز واکنشی انفعالی و نوعی پذیرش سلطه امریکا بر اینترنت است. ممکن است گفته شود منظور نه کل اینترنت که صرفاً مواردی است که از سوی ما نظارت‌پذیر و قابل‌جهت‌دهی نیستند و از آن‌ها علیه ما استفاده می‌شود (مانند تلگرام، توییتر و اینستاگرام)؛ در اینجا نیز باید بررسی کرد آیا صرفاً توسل به قطع دسترسی و مسدودسازی، اقدامی کافی و متناسب با تهاجم‌های دشمن است و به رفع سلطه آن‌ها می‌انجامد؟ بی‌شک خیر. وقتی جنس اقدام دشمن در این‌باره فرهنگی و رسانه‌ای است، پاسخ ما نیز باید از همین جنس باشد (یا حداقل به شکل لازم و کافی این جنس را هم دربرگیرد)؛ بنابراین برای رفع سلطه فرهنگی و تکنولوژیکی بر اینترنت، تولید بسترها و محتوای داخلی باید در اولویت باشد، نه اتخاذ سیاست پالایش حداکثری.

از بررسی موارد گفته‌شده می‌توان فهمید استناد به قاعده نفی سبیل برای وجوب یا جواز پالایش اینترنت محل اشکال است و از مقدمات ارائه‌شده، منطقی‌تایج مورد ادعا به دست نمی‌آید.

۵. سایر ادله و استنادات فرعی

مهم‌ترین ادله‌ای که برای اثبات سیاست فعلی پالایش به آن‌ها استناد شده است، سه مورد وجوب نهی‌ازمنکر، حرمت ضلال و قاعده نفی سبیل بود که مورد تعریف، تطبیق، نقد و بررسی قرار گرفتند. در کنار این ادله، پژوهشگران به صورت فرعی و گذرا به موارد دیگری نیز استناد کرده‌اند (جاویدنیا، عابدی و سلطانی، ۱۳۹۴: ۳۸؛ حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶: ۲۷). اصول سیاست‌های کلی دفاعی قرآن، وجوب جهاد با اهل ضلال، وجوب مبارزه با اهل بدعت، وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده مصلحت. همان‌طور که گفته شد این استنادها فرعی هستند و با اندکی تسامح، همگی به نوعی ذیل

همان سه دلیل اصلی می‌گنجند. در نتیجه اهمیت آن‌ها به حدی نیست که به شکل مفصل به آن‌ها پرداخته شود؛ ولی با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان نکات زیر را مطرح کرد:

اولاً به‌رغم اهمیت «اصول سیاست‌های کلی دفاعی در قرآن»، «وجوب جهاد با اهل ضلال» و «وجوب مبارزه با اهل بدعت» و همین‌طور صحت این امر که لازم است نسبت به تهاجم فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و امنیتی دفاع و جهاد صورت گیرد، منطقاً نمی‌توان از هیچ‌کدام از آن‌ها به‌طور مستقل و جوب مسدودسازی و قطع دسترسی شهروندان را نتیجه گرفت یا این اقدام را دفاع و مبارزه‌ای کافی و مناسب تلقی کرد. ما چه بخواهیم چه نخواهیم؛ چه پالایش کنیم چه نکنیم؛ اصل تهاجم دشمن در فضای حقیقی و مجازی در جریان بوده و خواهد بود و به هیچ‌عنوان قابل‌حذف نیست. با توجه به آنچه قرآن در این باره می‌گوید: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با بهترین شیوه با آنان مجادله کن» (نحل: ۱۲۵)، در برابر این تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای، دفاعی متناسب لازم است و مناسب بودن سیاست پالایش حداکثری کنونی نیازمند اثبات جداگانه است.

ثانیاً استناد به «وجوب دفع ضرر محتمل» و «قاعده مصلحت» نیز با توجه به آثار سیاست فعلی پالایش در کشور ما، لزوماً موجب دفع ضرر محتمل نمی‌شود، بلکه با توجه به تالی فاسدهای گفته‌شده، می‌توان خود سیاست کنونی را از جهاتی موجب ضرر و خلاف خیر و مصلحت نظام اسلامی دانست.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی سیاست جمهوری اسلامی ایران در پالایش فضای مجازی (از ابتدا تاکنون) نشان می‌دهد ما با سیاست پالایش حداکثری مواجهیم که در عمل به صورت ناقص و حداقلی اجرا می‌شود. اتخاذ این سیاست و اجرای آن موجب شده است: پالایش ادعایی به‌درستی اجرا نشود و مردم به شکل گسترده‌ای از آن عبور کنند، قبح عبور از قانون شکسته شود، حاکمیت قانون در کشور تضعیف شود، کشور در قبال تهدیدهای فضای مجازی آسیب‌پذیر و منفعل شود و در مجموع به واسطه پیگیری این سیاست، هزینه‌های مختلفی به نظام تحمیل شود.

در میان استندهای صورت‌گرفته برای اثبات وجوب پالایش که مبنای اتخاذ سیاست

پالایشی کنونی قرار گرفته‌اند، تنها وجوب نهی‌ازمنکر است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که البته موفقیت آن نیز در گروی مقدمات و لوازمی است که عموماً بدان اعتنا نمی‌شود؛ در نتیجه این نهی‌ازمنکر و سیاست پالایش حداکثری که به خاطر آن اتخاذ شده است، موفقیت‌آمیز نیست. همان‌طور که در فتاوا آمد، به‌طورکلی اگر نهی‌ازمنکر به شکلی باشد که موجب وهن شریعت شود، جایز نیست. به علاوه، نشان داده شد که توسل به حرمت کتب ضاله، قاعده نفی سبیل و سایر ادله فرعی استنادی، به صورت مستقل و به‌تنهایی نمی‌تواند وجوب پالایش را ثابت کرده و مستند آن قرار گیرد.

آنچه در این مقاله بررسی شد، ادله‌ای بود که بیشتر به‌عنوان حکم اولی در اثبات جواز یا وجوب پالایش به‌عنوان استنادات سیاست کنونی پالایش اینترنت معرفی شده بودند. حال با توجه به آثار و نتایج سیاست کنونی و در نظر داشتن دسته‌بندی و رتبه‌بندی احکام شرعی لازم است تحلیل شود که با توجه به وضعیت فعلی و نتایج حاصل از برگزیدن این سیاست، آیا ممکن است حکم اولیه پالایش (مثلاً از باب نهی‌ازمنکر، حرمت حفظ کتب ضلال یا نفی سبیل) تغییر یابد و احکام ثانویه یا حکومتی بر آن‌ها برتری یابند؟ با در نظر گرفتن آثار و پیامدهای سیاست کنونی، دور از ذهن نیست که حتی به فرض وجوب پالایش از باب نهی‌ازمنکر (هرچند اشکالاتی بدان وارد کردیم)، پیگیری سیاست فعلی نوعی «وهن مذهب و نظام اسلامی» و «خلاف مصلحت» تلقی شود.

در نهایت، بررسی سیاست کنونی جمهوری اسلامی ایران در قبال پالایش فضای مجازی نشان داد که دلایل آتی تغییر در سیاست کنونی لازم به نظر می‌رسد: پالایش چالش‌برانگیز ادعایی و مورد بحث در عمل رعایت نمی‌شود. سیاست پالایش حداکثری اساساً مطلوبیت ندارد. در شرایط کنونی و بدون استفاده از فیلترشکن، انبوهی از محتوای مجرمانه در دسترس کاربران است. در آینده نزدیک و به لحاظ فنی، اساساً پالایش به امری غیرممکن تبدیل خواهد شد و اولویت‌یافتن سیاست پالایش حداکثری در عمل کشور را از سایر اقدامات برای مقابله با آثار نامطلوب اینترنت دور کرده و موجب ضرر و خسارت برای کشور و نظام شده است. باین‌حال پیش از هر تغییری باید تصمیم گرفت که می‌خواهیم از وضعیت فعلی (سیاست پالایش حداکثری با اجرای ناقص و حداقلی) به کدام سمت‌وسو حرکت کنیم. بدیهی است تصمیم قطعی در این‌باره نیازمند حزم‌اندیشی

بیشتری بوده که فراتر از ظرفیت این پژوهش است؛ با این حال به نظر می‌رسد در کنار توجه به ملاحظات و بایسته‌های مختلف، اتخاذ سیاست پالایش حداقلی‌تری که به صورت کامل و حداکثری اجرا شود، از سیاست کنونی مطلوبیت بیشتری داشته باشد. در این سیاست جایگزین پیشنهادی، محدوده پالایش متناسب با عرف و نیاز عمومی کاهش یافته، به طور هم‌زمان بسترها و رسانه‌های داخلی نیز توسعه پیدا کرده و از ظرفیت خانواده‌ها برای حمایت از کودکان استفاده می‌شود. در سیاست مدنظر، پالایش سیاسی و مذهبی کاهش محسوسی خواهد داشت و دامنه پالایش بیشتر محدود به تهدیدهای امنیتی و جرایم غیررسانه‌ای و هرزه‌نگاری خواهد شد که می‌تواند همراهی افکار عمومی را به شکل گسترده‌تری به دنبال داشته باشد. با ایجاد این اعتماد، در مواردی که پالایش برای امنیت کشور لازم است، مردم دیگر تصور نخواهند کرد که حکومت و دولت به دنبال محدودسازی آزادی و آگاهی آنهاست؛ بدین ترتیب در اجرای سیاست‌های پالایشی همکاری بیشتری خواهند کرد. در ضمن به دلیل از موضوعیت افتادن استفاده متداول از فیلترشکن‌ها، نظام پالایشی به شکل موجه‌تر و جدی‌تری قابلیت اجرایی خواهد داشت. بررسی مبانی فقهی در این پژوهش نشان داد حکومت اسلامی همان‌طور که در مواردی شرعاً جواز و وظیفه پالایش اینترنت را دارد، بنا به اقتضانات مختلف و همین‌طور مصلحت می‌تواند سیاست‌های پالایشی دیگری را نیز دنبال کند؛ از این رو براساس موازین فقهی، تغییر سیاست فعلی چه از منظر احکام اولیه و چه از منظر احکام ثانویه و حکومتی با مانعی مواجه نیست.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان* (جلد ۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اسماعیلی، محسن؛ نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۵). «پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی». *دین و ارتباطات*، ۲۳ (۱)، صص ۸۰-۵۳.

امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱). «بازخوانی مواضع رهبر معظم انقلاب درباره اینترنت»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <http://parsine.com/fa/news/59765/>

امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). «حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=30658/>

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *ترجمه تحریرالوسیله* (جلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع* (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ایسپا (۱۳۹۶). «رییس مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران خبر داد: تلگرام، محبوب‌ترین پیام‌رسان ایرانی‌ها»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1785/>

ایسپا (۱۳۹۸). «مهاجرت مردم ایران از تلگرام به واتساپ»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2095/>

آذری جهرمی، محمدجواد (۱۳۹۸). «روایت وزیر ارتباطات از تجارت چند صد میلیاردی فروش وی‌پی‌ان و فیلترشکن»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <https://www.isna.ir/news/98061105966/>

بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقیه* (جلد ۱). قم: مؤسسه الهادی. پالیزبان، محسن (۱۳۹۴). «بررسی رابطه اینترنت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه سیاست*، ۴۵ (۳)، صص ۶۵۴-۶۵۳.

جاویدنیا، جواد؛ عابدی سرآسیا، علیرضا؛ سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۴). «واکاوی سیاست‌های پالایش محتوای مجرمانه (فیلترینگ) از منظر فقهی». *دین و ارتباطات*، ۲۲ (۲)، صص ۶۱-۳۵.

حسین نژاد، سید مجتبی؛ منیری حمزه کلایی، حمیدرضا (۱۳۹۶). «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی». فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ۲۲ (۲)، صص ۲۷-۵۶.

حسینی مراغه‌ای، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: انتشارات اسلامی. خاتمی، سید محمد (۱۳۸۱). «دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18798/> صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۵). جامع الاحکام (جلد ۲). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی.

طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل‌البیت. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهیه. قم: چاپخانه مهر. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین (جلد ۴). قم: نشر هجرت.

فیروزآبادی، ابوالحسن (۱۳۹۹). «آیین‌نامه VPN قانونی تدوین شد/ وزارت ارتباطات مسئول واگذاری»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ <https://www.mehrnews.com/news/4899079/>

قانع، احمد علی (۱۳۹۱). کتب ضاله؛ رویکردی فقهی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). قرائتی، محسن (۱۳۸۹). تفسیر نور (جلد ۱). تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (۱۳۸۸). «فهرست مصادیق محتوای مجرمانه»، دسترسی در ۶ آبان ۱۳۹۹ https://internet.ir/crime_index.html/

مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۳). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

محب‌الرحمن، محمدمهدی؛ صرامی، سیف‌الله؛ محب‌الرحمن، محمدهادی (۱۳۹۴). «پژوهشی در حکم فقهی فیلتر (شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی)». کاوشی نو در فقه، ۲۲ (۸۶)، صص ۳۳-۶۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). ده گفتار. تهران: صدرا. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (جلد ۲۲). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نصراللهی، محمدهادی (۱۳۹۴). الگوی سیاست‌های فرهنگی - ارتباطی حاکم بر تنظیم مقررات شیوه پالایش فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران، (رساله دکتری دانشگاه امام صادق)، تهران، ایران.

هادیان‌فر، کمال (۱۳۹۷). «چند نفر در ایران از فیلترشکن استفاده می‌کنند؟»، دسترسی در ۶ آبان

<https://www.isna.ir/news/97072413874/> ۱۳۹۹

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (جلد ۱). قم:

مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

Bashir, H., & Nasrollahi, M. S. (2018). A Comparative Study of Regulating the Filtering of Cyberspace in the US, the EU and China: Proposals for Policymaking in Iran. *Journal of Cyberspace Studies*, 2 (1), 1-28.

Bell, D., Loader, B. D., Pleace, N., & Schuler, D. (2004). *Cyberculture: The key concepts*. Psychology Press.

Deibert, R., Palfrey, J., Rohozinski, R., & Zittrain, J. (2008). *Access denied: The practice and policy of global internet filtering*. p. 472. The MIT Press.

Durov: [Durov]. (2017, August 1). In Jakarta, meeting with local teams brainstorming ways how to eradicate ISIS propaganda more efficiently [Tweet]. Retrieved from <https://twitter.com/durov/status/892276270700126208>.

Durov: [Durov]. (2017, December 31). *Iranian authorities are blocking access to Telegram for the majority of Iranians after our public refusal to shut down https://t.me/sedaieimardom and other peacefully protesting channels* [Tweet]. Retrieved from <https://twitter.com/durov/status/947441456238735360>.

Kuehl, D. T. (2009). From cyberspace to cyberpower: Defining the problem. *Cyberpower and national security*, 30.

Mowlana, H. (1985). *International flow of information: A global report and analysis*. No. 99, United Nations Educational.

Schell, B. H. (2014). *Internet Censorship: A Reference Handbook: A Reference Handbook*, Abc-Clio.